

علیرضا کوشک‌جلالی، کارگردان نام‌آشنای ایرانی سال‌هاست بین ایران و آلمان در رفت‌و‌آمد است. سالی یکی، دو کار در تهران روی صحنه می‌برد و همواره چند تئاتر بر صحنه سال‌های شهرهای مختلف آلمان دارد. این کارگردان که با اجرای «خدای کشتار» یاسمینا رضا در ایران شهرت پیدا کرد، این‌شب‌ها «مرگ ناتان در اورشلیم» را در آلمان روی صحنه برده. همچنین نمایش «سیستم گرون هلم» او پس از اجرا در فرهنگسرای نیاوران، از ۲۱ شهریور تا سوم مهر در شهر شیراز روی صحنه می‌رود. با او درباره تفاوت‌های تئاتر در ایران و آلمان و البته نمایش‌های آخری که در تهران و آلمان روی صحنه داشته، گفت‌وگو کردیم.

۷ شما کارگردانی هستید که در خارج از ایران سال‌هاست مدام کار روی صحنه می‌برید. بین تئاتر در ایران و تئاتر در آلمان چقدر فاصله است؟

از نظر امکانات زیرساختاری (بودجه سالانه تئاتر‌های دولتی و تئاتر‌های خصوصی، تعداد سالن‌های استاندارد نمایشی و تمرین، امکانات صحنای، تکنیکی، نوری، تعداد مدراس بازیگری و کارگردانی مجهز به نوین‌ترین تکنیک‌های بازیگری و کارگردانی که به‌طور سیستماتیک، هنرمندان جوانی که به دنیای تئاتر عرضه می‌شوند...) تئاتر آلمان با تئاتر ایران چندین سال نوری فاصله دارد. مثل مقایسه امکانات آخرین مدل ماشین مرسدس بنز است، با اولین مدل ماشین پیکان. اما از نظر استعداد هیچ فرقی وجود ندارد. همیشه پس از دیدن کارهای خارق‌العاده بسیاری از چهره‌های جوان پرشور و بااستعداد ایرانی، به شعف آمدم. واقعا اگر نیمی از امکانات اروپایی در اختیارشان بود، تئاتر ایران دچار دگرگونی بزرگی می‌شد.

۷ مگر در آلمان چه اتفاقی می‌افتد؟

آنجا برنامه‌ریزی درازمدتی وجود دارد برای اینکه مردم را با تئاتر آشنا کنند و برای این منظور هزینه‌های زیادی صرف می‌کنند. بذریابی می‌کنند که جامعه، ثمره آن را سال‌ها بعد درو می‌کند. نتیجه سرمایه‌گذاری ۳۰ تا ۴۰سال پیش دولت آلمان، برای رشد این هنر را، ما امروز می‌بینیم. می‌تال ساده در شهر یک‌میلیونی کلن، که من ساکن آن هستم، هر شب بین ۵۰ تا ۶۰ کار تئاتر روی صحنه می‌رود، شما این را مقایسه کنید با امکانات نمایشی تهران، که مرکز کل تئاتر ایران است. تعداد سالن‌هایی که در تهران برای اجرای تئاتر وجود دارد، برای یک جمعیت ۱۵،۱۶میلیونی، بسیار محدود است. این امکانات جلو رشد بسیاری از جوان‌های تئاتری در کل، جلو رشد تئاتر در ایران را می‌گیرد و به درگیری‌های نژادسلی می‌بین اهایی تئاتر دامن می‌زند و مسایل جانبی را در تئاتر پررنگ می‌کند. تئاتری که پیکره‌اش به‌خودی‌خود نحیف است، با جنگ داخلی بین هنرمندانش، سر از بیمارستان و بیمارستان درمی‌آورد. ریشه اصلی این خودزنی‌ها، کمبود امکانات ساختارفرای در ایران است. متأسفانه بسیاری از هنرمندان تئاتر، یکدیگر را رقیب هم می‌نگارند و نه همکار.

۷ در تئاتر ایران چه خلایقی صن می‌کنند؟

ایران در زمینه آموزش تئاتر محتاج یک رنسانس است. در اروپا، کارگردانی و بازیگری، در مدارس مخصوص، آموزش داده می‌شود و نه در دانشکده؛ مدرسی که ۷۰ تا ۸۰درصد به کارهای عملی می‌پردازند، مثل مدرسه فوتبال، یا مدرسه موسیقی. درواقع در این مدارس، هنرجویان، بازیگری و کارگردانی را به‌صورت عملی می‌آموزند. مثل رانندگی و رانندگی را نمی‌شود در دانشگاه یاد گرفت. در دانشگاه‌های تئاتر، عمدتا موارد علمی و تئوریک تدریس می‌شود. آنجا اگر بگویی من لیسانس بازیگری یا کارگردانی دارم، فکر می‌کنند داری سربسراش می‌گذاری و مزاج می‌کنی. مثل این است که بگویی من لیسانس گیتار، یا دکتری نوک‌حمله، یا فوق‌لیسانس رانندگی کامیون دارم. حالا حساب کنید که چند مدرسه بازیگری و کارگردانی در ایران داریم که به‌طور سیستماتیک و عملی، هنرجویان را پرورش دهند. یعنی سه‌سال‌ونیم هنرجویان دروس زیر را به‌صورت عملی یاد بگیرند: کار بازیگر روی خود، کار بازیگر روی نقش، بیان، سولفژ، انواع رقص، آواز، حرکات اکروباتیک، شمشیربازی، کارگردانی یک صحنه، کارگردانی نمایش و...

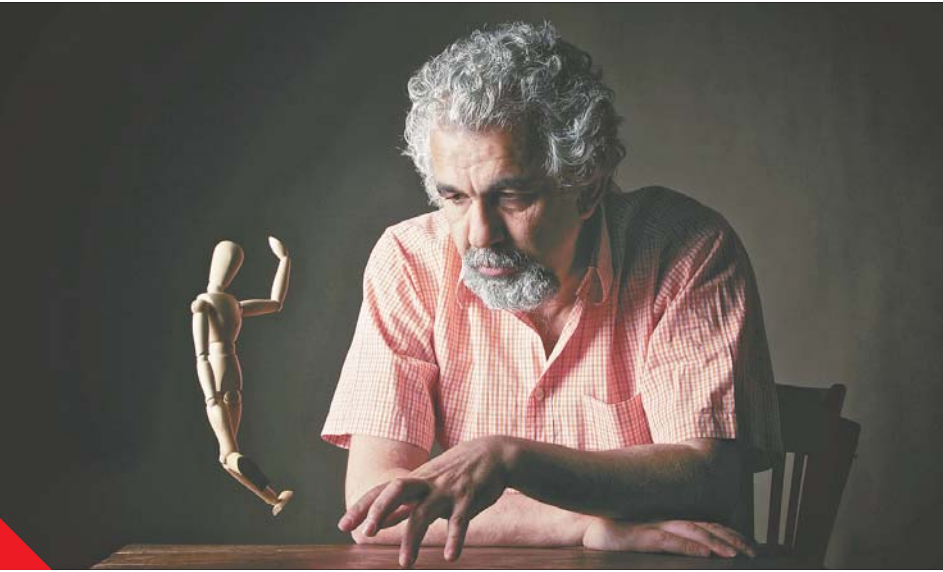
۷ شما که در آلمان چنین فضای بازی را تجربه می‌کنید، کارکردن در ایران برایتان دشوار نیست؟

خیلی زیاد. اما چند دلیل برای کار‌کردن در ایران دارم؛ اول اینکه وطن من ایران است و دوست دارم همه آنچه که در تئاتر اروپا آموختم‌ام

تفاوت‌های تئاتر ایران و آلمان به روایت علیرضا کوشک‌جلالی

استعداد برابر، امکانات نابرابر

عسل عباسیان



را به نسل جدید، به هنرجویان و همکارانم منتقل کنم. این کار با برگزاری ورکشاپ‌های آموزشی، برگزاری سمینارها، ترجمه‌کردن متن‌های جدید و کارکردن با گروه‌های تئاتری مختلف در ایران انجام می‌دهم. سعی می‌کنم نوع کاری را که اینجا یاد گرفته‌ام، به همکاران و هنرجویان منتقل کنم.

دوم اینکه، کارکردن در ایران، یعنی شناخت عینی مشکلات مردم و جامعه تئاتری. آن‌وقت است که دیگر مثل یک اروپائین شکم‌سیر، بی‌خبر از دغدغه‌های داخل ایران نیستیم. تئاتر من را به مردم کشورم نزدیک‌تر می‌کند. اما همیشه شناخت با‌دردی جانکه همراه است: همین حالا نمایشی در آلمان روی صحنه دارم. جالب است که بدانید، من سه‌ماه‌پیش، دستم‌زد را گرفتم!ما به این ترتیب من و گروه‌ام با خیال راحت کارمان را انجام دادیم. اما در ایران برای دو کاری که به صحنه بردم، تا مدت‌ها بعد از اجرا حتی یک‌ریال هم دریافت نکردم. تازه هفت، هشت‌میلیون هم هزینه شخصی کردم.

۷ چطور در شرایطی که برخی این‌همه از محدودیت سالن شکوه دارند، شما به ایران آمدید و سه کار را تقریبا به‌طور هم‌زمان روی صحنه بردید؛ رابینسون

کروزونه، سیستم گرون هلم و پوزه چرمی؟

دو نمایش هم‌زمان، رابینسون کروزونه سال ۹۲ در تبریز و با گروه تئاتر تبریزی تولید شد. سال ۹۳ به جشنواره فجر دعوت و بنا شد چهار اجرا در تهران، شش اجرا در مشهد و چهار اجرا در اهواز داشته باشیم. بعد از استقبال چشمگیری که از این کار شد، آقای حسین پارسایی هم این کار را برای ۱۰شب به حوزه هنری دعوت کرد. در ضمن به‌خاطر وضعیت جسمانی‌ام، سعی می‌کنم وقتی به ایران می‌آیم، نهایت استفاده را از وقت داشته باشم و دو نمایش را به‌طور هم‌زمان به صحنه ببرم. سال ۹۲ هیچ کاری در تهران انجام نندام.

۷ درباره چرایی انتخاب متن «سیستم گرون هلم» بگویید. این متن چه ویژگی‌ای داشت که شما فکر کردید باید اجرایش کنید؟ دغدغه‌هایی شبیه «خدای کشتار» دارد ولی تفاوت‌هایی هم دارد.

تئاتر مردمی، تئاتری است که با کل مردم ارتباط برقرار می‌کند، از روشنفکران گرفته تا مردم عادی (مثل نمایش‌های یاسمینا رضا، نیل سیامون و...). اغلب نمایش‌هایی که در اروپا به صحنه می‌روند، در ژانر «تئاتر مردمی» می‌گنجند. اینگونه است که ۶۰ سالن تئاتر در شهری یک‌میلیونی تقریبا‌هرشب پر هستند. این نوع نمایش‌ها در ایران متأسفانه خیلی کم و محدود است. در دوران قدیم، تئاتر روحوضی و تعزیه چنین خصوصیتی داشته و می‌توانستند توده مردم را جذب کنند، درحالی که تئاتر مدرن ما عمدتا این خصوصیت را ندارد. «خدای‌کشتار» هم در این ژانر می‌گنجد. هم یک پیچه کوچک و هم یک سوپروروشنفکر می‌تواند با این نوع کارها ارتباط برقرار کنند. مثل فیلم‌های چاپلین،

تئاتر

که در بسیاری از مواقع ریشه‌های منطقی و درستی هم دارد را به جان بخری، که در نهایت اگر جان به جان‌آفرین تسلیم نکنی، شانس آورده‌ای. خلاصه، هر‌گاه کاری در ایران روی صحنه می‌رود، به خود می‌گویم، باز به معجزه دیگه اتفاق افتاد. دست‌م‌یزاد به تمام تئاتری‌های ایران.

۷ چطور شد که «پوزه چرمی» را که دغدغه‌های متفاوتی هم دارد، برای اجرا در ایران انتخاب کردید؟

«پوزه چرمی» نمایش خاصی بود که از چندسال پیش به در آلمان خبری شنیدم درباره جوانی که در مدرسه ۱۱، ۱۲نفر را کشته و خودش را هم کشته بود به فکر اجرای آن افتادم. تحقیقاتی داشتمت درباره اینکه چرا یک جوان با تمام امکاناتی که در جامعه وجود دارد به بن‌بست می‌رسد و تنها راه را کشتن دیگران و خودش می‌داند؟ به نتایج وحشتناکی رسیدم مبنی بر اینکه جوان‌ها دنیای تنها و غربیی دارند که هیچ‌گونه دورنمایی از آینده ندارند بنابراین درگیر یکسری تخیلات بیمارگونه می‌شوند. از شخصیت‌های این نمایش مردی است همراه با همسرش، که آدم‌های روشنفکری هستند ولی از دنیای بیرون که سراسر جنگ و خون‌ریزی است، ترس دارند. از خبرهایی که در تلویزیون از غزه، اوکراین و آفریقا پخش می‌شود، متنفر و بیزار هستند و فکر می‌کنند که تمام دنیای خارج، دنیای ترسناکی است و همه قصد نابودی یکدیگر را دارند و به طراحی یک ابرمقی پناه می‌برند و فکر می‌کنند که با اهر برقی می‌توانند برابر تمام پلیدی‌های جهان از خودشان دفاع کنند، در حالی که این یک فکر کودکانه و بیگانه است که در آخر هم به مرگ این جوان‌ها منتهی می‌شود. عشقی که بین این دو جوان وجود دارد، حفظ عشقتان و فرار از دنیای سیاهی که از بیرون اینها را محاصره کرده، از ماجراهای این نمایش است. تصویر سیاهی‌ای دارد از زندگی جوانانی که هیچ‌گونه پرسپکتیوی از آینده ندارند و به افکار خشونت‌آمیز و خودزنی رو می‌آورند.

۷ چطور شما برخلاف کارگردان‌های ساکن ایران، همیشه با توجه به اینکه مدت‌زمان استقرارتان در ایران کوتاه است، اجراهایتان را در ایران نیمه‌کاره می‌گذارید و به آلمان می‌روید یا برعکس برای اجرایی در ایران، نمایشی را در آلمان نیمه‌کاره می‌گذارید و می‌آیید؟

تعریفی که اینجا از کارگردانی جسا افتاده، تعریف غلطی است.

کارگردان، به معنای حرفه‌ای در اروپا، فقط تا شب اول اجرا، همراه گروه است. من کار را نیمه‌تمام نمی‌گذارم، در تعریف علمی، کار کارگردان شب اول اجرا تمام می‌شود. این برداشت اشتباه از وظیفه کارگردان، از آنجا سرچشمه می‌گیرد که در ایران کارگردانی شغل نیست، ولی در اروپا شغل محسوب می‌شود.

۷ در آلمان کارگردان‌هایی هستند که مثلا یکی از کارهایشان در بلغارستان و کار دیگرشان در مونیخ و سومی در هامبورگ، هم‌زمان اجرا می‌شوند. هر کارگردانی حداقل سه تا شش کار در سال به صحنه می‌برد. آیا امکان دارد سر هر سه کار باشد؟

مثل ایران نیست که یک کارگردان سالی ۳۰ یا ۴۵ شب اجرا داشته باشد و بعد برود تا سال بعد و اجرایی دیگر، در آلمان ممکن است کاری از یک کارگردان مدت‌ها در یک سال هفته‌ای دوروز اجرا شود و مدتی بعد هفته‌ای پنج روز اجرا داشته باشد و بعد با همین رویه کار تا دو، سه یا چهارسال اجرا شود. کارگردان نمی‌تواند سال‌ها به‌دنبال کارش به این طرف و آن طرف دنیا برود. کارگردان تا همان شب اول اجرا وظیفه دارد، اجرا را هدایت کند و بعد از آن، همه‌چیز را به دستیار می‌سپارد. در ایران چون کارگردان ممکن است سالی، یک یا دو کار روی صحنه ببرد اگر ۳۰شب هم پشت‌سرهم اجرا باشد او سر کار خواهد بود. من همین الان در آلمان پنج کار در شهرهای مختلف روی صحنه دارم. یکی از کارهایم به نام «کاروان‌سوخته» حدود ۱۷سال است که دایما اجرا می‌شود (ماهی دو، سه‌سایر). نمایش دیگری هم از من به نام «موسو ابراهیم و گل‌های قرآن» از سال ۲۰۰۶ روی صحنه است (یعنی حدود هشت‌سال).

از نمایش جدیدی که در آلمان روی صحنه دارید، بگویید. اسم نمایش «مرگ ناتان در اورشلیم» است که با اتفاقات دردناک فلسطین و تراژدی تلخی مرتبط است که نفس را سال‌ها در سینه هر انسان شریفی حبس کرده. این نمایش را چندسال پیش، با الهام از رمان «بارگشت به حیفا»، اثر قاسان کانفانیس، به زبان آلمانی نوشتم‌ام. ناتان در زبان آلمانی یادآور «السنینگ» و نمایشنامه مشهورش «ناتان خردمند» است و به‌گونه‌ای«ناتان» در آلمان، مترادف«خرد» است. با چپایی که در آن منطقه افتاده و می‌افتد، نمایشنامه، «امرگ خرد» را به‌گونه‌ای تلخ به تصویر می‌کشد.

۳	۴	۸	۲	۶	۷	۵	۹	۱
۲	۱	۹	۵	۳	۶	۷	۴	۸
۵	۷	۶	۹	۳	۱	۲	۴	۸
۷	۹	۲	۸	۴	۳	۱	۵	۶
۱	۳	۴	۶	۹	۵	۸	۷	۲
۶	۸	۵	۱	۷	۲	۴	۳	۹
۴	۶	۱	۳	۲	۹	۷	۸	۵
۸	۵	۷	۱	۶	۹	۳	۲	۴
۹	۲	۳	۷	۵	۸	۶	۱	۴

۵	۲	۳	۸	۷	۴	۹	۱	۶
۱	۶	۸	۹	۵	۴	۳	۲	۷
۹	۴	۷	۳	۱	۲	۵	۶	۸
۷	۸	۱	۴	۳	۲	۵	۶	۹
۲	۳	۶	۱	۸	۵	۷	۹	۴
۴	۵	۲	۳	۷	۸	۱	۶	۹
۶	۱	۴	۲	۳	۸	۹	۷	۵
۳	۷	۹	۵	۱	۶	۸	۲	۴
۸	۵	۲	۷	۶	۹	۱	۳	۴

جدول ۲۰۷۵

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۳	۵	۷	۹	۱۱	۱۳	۱۵	۱۷	۱۹	۲۱	۲۳	۲۵	۲۷	۲۹
۲	۴	۶	۸	۱۰	۱۲	۱۴	۱۶	۱۸	۲۰	۲۲	۲۴	۲۶	۲۸	۳۰
۳	۵	۷	۹	۱۱	۱۳	۱۵	۱۷	۱۹	۲۱	۲۳	۲۵	۲۷	۲۹	۳۱
۴	۶	۸	۱۰	۱۲	۱۴	۱۶	۱۸	۲۰	۲۲	۲۴	۲۶	۲۸	۳۰	۳۲
۵	۷	۹	۱۱	۱۳	۱۵	۱۷	۱۹	۲۱	۲۳	۲۵	۲۷	۲۹	۳۱	۳۳
۶	۸	۱۰	۱۲	۱۴	۱۶	۱۸	۲۰	۲۲	۲۴	۲۶	۲۸	۳۰	۳۲	۳۴
۷	۹	۱۱	۱۳	۱۵	۱۷	۱۹	۲۱	۲۳	۲۵	۲۷	۲۹	۳۱	۳۳	۳۵
۸	۱۰	۱۲	۱۴	۱۶	۱۸	۲۰	۲۲	۲۴	۲۶	۲۸	۳۰	۳۲	۳۴	۳۶
۹	۱۱	۱۳	۱۵	۱۷	۱۹	۲۱	۲۳	۲۵	۲۷	۲۹	۳۱	۳۳	۳۵	۳۷
۱۰	۱۲	۱۴	۱۶	۱۸	۲۰	۲۲	۲۴	۲۶	۲۸	۳۰	۳۲	۳۴	۳۶	۳۸
۱۱	۱۳	۱۵	۱۷	۱۹	۲۱	۲۳	۲۵	۲۷	۲۹	۳۱	۳۳	۳۵	۳۷	۳۹
۱۲	۱۴	۱۶	۱۸	۲۰	۲۲	۲۴	۲۶	۲۸	۳۰	۳۲	۳۴	۳۶	۳۸	۴۰
۱۳	۱۵	۱۷	۱۹	۲۱	۲۳	۲۵	۲۷	۲۹	۳۱	۳۳	۳۵	۳۷	۳۹	۴۱
۱۴	۱۶	۱۸	۲۰	۲۲	۲۴	۲۶	۲۸	۳۰	۳۲	۳۴	۳۶	۳۸	۴۰	۴۲
۱۵	۱۷	۱۹	۲۱	۲۳	۲۵	۲۷	۲۹	۳۱	۳۳	۳۵	۳۷	۳۹	۴۱	۴۳

سودوکو سخت ۱۰۷۳

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ۱۰۷۳

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

فانوس خیال

به بهانه کارناوال جشنواره تئاتر عروسی

یاد بگیریم، برای عروسک‌ها هورا بکشیم



رامک مصبی

۱۷ یا شاید هم ۱۸ سال پیش، به بهانه فرازوفرودهای بازیگری در سینمای ایران گفت‌وگویی با چندبازیگر ازجمله علی نصیریان داشتم. آقای نصیریان در صحبت‌هایش به نکته‌ای اشاره کرد که طی این سال‌ها بارها به بهانه‌های مختلف مسرورش کرده‌ام. نقل به مضمون می‌کنم؛ آقای نصیریان از کوران فرهنگی می‌گفت و از اینکه یک جامعه برای رشد و بالندگی نیازمند بازشدن پنجره‌هایی برای ایجاد این کوران و حرکت است و می‌گفت یک هنرمند با حضور در گالری‌ها، نمایشگاه‌ها، سینما، تئاتر و محافل پررونق هنری، در معرض این کوران قرار می‌گیرد و آنگاه تعالی هنر و هنرمند در نهایت مردم و جامعه رخ می‌دهد. و حالا ربط این خاطره به موضوع این یادداشت یعنی جشنواره تئاتر عروسی؛ راستش روز شنبه که به همراه دختر کم و دوستش، برای همراهی با کارناوال عروسک‌های جشنواره تئاتر عروسی، سرازیری خیابان فلسطین را به‌سمت خیابان انقلاب می‌رفتیم، با دیدن جوانانی که با شتاب و شوق از کنارمان می‌گشتند و از کوله‌پشتی‌هایشان، عروسک‌های جورواجوری اویزان بود و نیز مادران و پدران که با کودکان و عروسک‌هایشان به دنبال کارناوال حرکت می‌کردند، جمله‌های آقای نصیریان به یاد آمد. در آن فاصله چندصدمتر تا تئاتر شهر، حال همه خوب بود با وجود اینکه در خط ویژه از پس و پیش در محاصره اتوبوس‌ها بودند و در معرض نگاه‌های



شماات‌بار مسافرائی که فقط دقایقی حرکتشان کند شده بود. حال همه خوب بود، اگرچه غرولندها و جملات نه‌چندان خوشایند رانندگان اتوبوس‌های گری را می‌شنیدند و به بیکاری متهم می‌شدند؛ حال همه خوب بود با اینکه شاهد چراغ‌سبزی بودند که برای فرم‌شدن عجله داشت و کسی هم به فکر نبود فقط چندثانیه بیشتر به هنرمندان و عروسک‌ها و کودکان و پدر و مادرها فرصتی برای عبور از خیابان بدهد. حتی زمانی هم که به زور سر کم می‌کشیدند تا مراسم افتتاحیه را از لابه‌لای جمعیتی ببینند که روی سکوی سیمایی میانه محوطه تئاتر شهر ایستاده و فضا را برای اجرای برنامه تنگ کرده بودند و به خواش‌های مجری مراسم هم توجهی نمی‌کردند، حال همه خوب بود و فریاد شادی می‌کشیدند. و این حال خوب تلاوم می‌یابد، وسعت می‌گیرد، سرایت می‌کند، اگر شرایطی فراهم شود که چنین حرکت‌هایی به‌صورت محلی یا سراسری، به بهانه‌های مختلف و به طور مستمر در جای‌جای کشورمان برپا شود، آن وقت است که همه از هنرمند و مسوول و مردم با تمرین‌های مداوم و به‌تدریج، برایانی منظم و اخلاقه و مشارکت‌جانه را یاد می‌گیریم و لذت‌بردن از شادی یکدیگر را می‌آموزیم و بی‌شک در آن روزها مردمی که شاهد گذر کارناوال جشنواره تئاتر عروسی هستند، به‌جای غرولند و شماات و عجله‌ها، با عروسک‌ها همراه می‌شوند و برایشان هورا می‌کشند.

تماشاخانه

آغاز اجرای «ریچارد سوم» از ۳۰ شهریور

شرق:نمایش «ریچارد سوم» به کارگردانی آیدا آب‌پور و نویسندگی و بازی مهران رنجبر اجرای خود را از ۳۰شهریور در تالار نام‌آوران تئاتر ایران در خانه‌موزه انتظامی آغاز می‌کند. «ریچارد سوم» کاری از گروه تئاتر «اما دوتا» به سرپرستی مهران رنجبر و محصول موسسه فرهنگی – هنری اندیشه ماهان به سرپرستی امیر دژآقام است که اجرای خود را از ۲۰شهریور در تالار نام‌آوران تئاتر ایران آغاز خواهد کرد. این اثر نمایشی اجرایی فانتزی بر مبنای شکل و فرمی گروتسک است که روایتی نو را از دیدگاه یک‌اسب (اسب ریچارد) مطرح می‌کند.

جدول ۲۰۷۶ ■ طراح: ییزن گورانی

فقی:

۱ – استقرار یافته – لقب محمدتقی بهار، شاعر معاصر ایرانی ۲ – انگل – حوض هم‌مقی تزئینی – پول ایتالیا ۳- تن-سوم – دستگاهی در تلیسات گرومایشی –نوعی کانی بسیار نرم برای تمیز غذا ۴ – تازه و جدید – گردنده – عایدی ۵ – جوی طبیعی – گسترندی – آژانده‌شده از زندان ۶ – زبان ترکی – خواهر اسفندنیار در شاهنامه – از پهلوی به پهلوی دیگر شدن ۷ – الاستیک- ناهم‌نگاری- شوکت ۸ – شهر مدفن مرحوم مون:زاده اربدیلی – سسواری بر پشت – دالان ورودی خانه‌های قدیمی – حرف انتخاب ۹ – از باشگاه‌های معتبر فوتبال فرانسه – کشف رازی – اپراتور ۱۰ – بخشندگی – جمله دستوری- شکلی هندسی ۱۱ – رفع‌کننده – سلاح جنگجوی قدیم – جای خالی از هوا ۱۲ – اصرار و پافشاری بیش از حد – سرشت – عماد ۱۳ – پایتخت آلبانی – تندریست – صدای گوسفند ۱۴ – از الفبای انگلیسی – صحیح بودن – علم تعبیه‌مازی ۱۵ – موافقت‌نامه سیاسی – به آگاهی رساندن.

عمودی:

۱ – دارای آرامش خیال – سردار رومی که مغلوب سورنا شد – دره‌های خونخوار ۲ – بزرگ‌ترین صورت فلکی نیمکره جنوبی آسمان – جمع شیخ – موقر ۳ – خط‌کش مهندسی – ماری‌جوانا – پایتخت بوسنی و هرزگوین ۴ – باریک و کشیده – روضه‌خون – پادشاه ۵ – موی صورت مردان – تفنگ قدیمی – پرتشدن از بالا به پایین ۶ – عدس پخته لعابدار- درخشان – پرستار ۷ – اثر ماکسیم گورکی – از ماشین‌الات کشاورزی –